

ادامه از صفحه ۶

گردادن واطلاع‌رسانی به آمریکا

... تاکید دارم که نشر مذاکرات محرمانه خیانت آشکار و بازی در میدان دشمن است و این اقدام از سوی هر کسی صورت گیرد، تفاوت ندارد؛ به‌ویژه آنکه از سوی کسانی باشد که ادعای دفاع از انقلاب و آرمان‌های انقلاب را دارند و نباید اعتبار کمیسیون امنیت ملی و مجلس به خاطر تخریب دولت مخدوش شود.

انتظار داشتیم رئیس مجلس موضع گیری کند

رحیمی با بیان اینکه تاکنون جلسه رسمی با غیررسمی با رئیس مجلس دراین‌باره برگزار نشده، افزود: «انتظار این بود که رئیس مجلس دراین‌باره موضع‌گیری می‌کرد و با وجود اینکه این مسئله در صحن اتفاق نیفتاده؛ اما همان‌گونه که صداوسیما به بهانه خبررسانی اقدام به حاشیه‌سازی کرد و شائبه افکار عمومی را تقویت کرد، انتظار داشتیم رئیس محترم مجلس نیز اظهار نظر لازم را داشته باشد. باین‌حال مهم این است که افکار عمومی با آگاهی دراین‌باره قضاوت می‌کنند.»
رحیمی تصریح کرد: «این حاشیه‌سازی‌ها با پشتیبانی صداوسیما که خط تخریب دستگاه دیپلماسی و حمله به شخص آقای ظریف را دنبال می‌کند، جای تأسف دارد.»

وزارت اطلاعات و سپاه نظر دهند

«حسن قشقایی»، معاون پارلمانی وزارت خارجه، هم دیروز در مجلس حضور داشت که در حاشیه جلسه علنی دوشنبه مجلس در جمع خبرنگاران حاضر شد و درباره مطالب منتشرشده به وسیله کریمی‌قدوسی گفت: «موضع وزارت امور خارجه همان چیزی است که سخنگوی وزارت خارجه بیان کرده. ایشان دو بار درباره این موضوع صحبت کرده است. می‌دانید و ۸۰ درصد نمایندگان مجلس از حامیان سیاست خارجی موجود هستند؛ اما بدون شک موافق و مخالف همیشه وجود دارد و ما هم احترام می‌گذاریم و درباره هر موضوعی و هر بار که دعوت کنند، آقای ظریف در مجلس حضور پیدا می‌کند.» او ادامه داد: «موضوع کریمی‌قدوسی موضوع بسیار ساده‌ای است و نیاز به پردازش رسانه‌ای ندارد و پاسخ به یک سؤال است که تنها به کریمی‌قدوسی ارتباط ندارد. سؤال این است که از لحاظ قواعد حفاظتی و اسناد و گفتار، گوینده طبقه‌بندی را تعیین می‌کند یا شنونده؟ وزارت اطلاعات، سپاه و نیروهای نظامی می‌توانند دراین‌باره صحبت کنند که باعث حل ماجرا می‌شود.» او تاکید کرد: «گوینده تشخیص می‌دهد، نه شنونده؛ بنابراین وقتی شنونده موضوعی را مطرح می‌کند، به این معناست که به الفبای مسائل حفاظتی آشنا نیست و اگر کسی به کل این سؤالات جواب دهد، کل ماجرا حل می‌شود و نیازی به نوازدگشتن در مجلس نیست.»

مغایر واقعیت

قتقائوی ادامه داد: «در متنی که از سوی ظریف بیان شده و دیروز منتشر شده، نشان داده شده مطلبی که از اول با حاشیه‌های ژورنالیستی منتشر شده با واقعیت مغایر است و متن روز یکشنبه نیز گزینشی بوده است. ولی ثابت شد که این متن، متنی نبوده که روزهای اول منتشر شده است.» او افزود: «نکته دوم این است که ایشان می‌گویند شنونده می‌زان طبقه‌بندی اسناد را مشخص می‌کند. این خلاف همه قواعد حفاظتی سراسر جهان و قانون ماست. ما باید کاری کنیم که اسرار نظام حفظ شود، وقتی در هتل مذاکرات در نیویورک زده می‌شود «راهو امن نیست» یعنی نباید اسرار طبقه‌بندی‌شده را در آنجا بیان کرد.» قشقائوی ادامه داد: «اینکه گفته می‌شود ما ب مردم مطلب محرمانه‌ای نداریم، درست و حرف مقام معظم رهبری است. ولی این ۵۰ درصد مطلب است. وقتی مطلبی را طرح می‌کنیم که طبقه‌بندی شده است، طرف خارجی نیز متوجه می‌شود. به‌همین‌دلیل و به‌عنوان مثال در سالن سازمان ملل در نیویورک رده می‌شود که این سالن امن نیست. وقتی این‌طور است نیازی به تحلیل نیست.» او ادامه داد: «حفظ اسرار نظام از واجبات است. نمایندگان به ما می‌گویند اخبار روزنامه‌ای نکوبید. ما از وزرا می‌خواهیم مطالب غیررسانه‌ای بگویند. ولی اگر مطالب غیررسانه‌ای، رسانه‌ای شود، چه ارزشی دارد و ما چرا باید مطالب غیررسانه‌ای را بگوییم». معاون پارلمانی وزارت خارجه با تاکید بر اینکه افشای اسرار نظام خلاف است، گفت:

«از این‌رو موافقت و مخالفت با برجام نباید باعث تضعیف عقل و دین و اخلاق ما باشد. عقل و دین و اخلاق ما باید سر جای خودش باشد؛ برجام هم مخالف و موافق دارد.» حالا دیگر کم‌کم جنجال‌سازی‌های نماینده منتسب به جبهه پایداری فروکش می‌کند، «جواد کریمی‌قدوسی» نماینده مشهود دیگر هرچه داشت، درباره جلسه کمیسیون امنیت ملی و ظریف رو کرد تا بتواند حرف‌ها و ادعایش را در روز اول انتشار صحبت‌های مجرمانه وزیر خارجه ثابت کند؛ حتی برای اثبات ادعایش قرار شد صوت را برای نمایندگان پخش کند و گفت برای آنها فایل را پخش می‌کند. اما تنها ۱۱ همفکر دیگر خود پای متن پیاده‌شده را امضا کردند و نوشتند این متن را تأیید می‌کنند؛ کریمی‌قدوسی هر آنچه در توان داشت، انجام داد.

دیپلماسی

پیشنهاد عباس ملکی در گفت‌وگو با «شرق»:

روحانی به ترامپ نامه بنویسد

زینب اسماعیلی



عباس ملکی

شفقنا

عباس ملکی در دو سرشاخه مهم تبحر دارد؛ هم دیپلماسی می‌داند و هم حوزه انرژی را خوب می‌شناسد. مثل خاورمیانه که هم سرشار از انرژی است و هم عمده حوادث دیپلماتیک بزرگ جهان به نوعی به این منطقه مربوط می‌شود. این دو تبحر برای تحلیل آنچه در منطقه خاورمیانه می‌گذرد و آنچه با آمدن دونالد ترامپ انتظار می‌رود، بسیار کارآمد است. از همین رو با این دیپلمات اهل انرژی، به بررسی آنچه در خاورمیانه بعد از ترامپ خواهد گذشت، پرداختیم. ملکی که از «ام‌آی‌تی» و مرکز تحقیقات استراتژیک گذشته و اکنون در اتاق کوچک دانشکده انرژی دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحقیق و تدریس است، معتقد است اهمیت خاورمیانه در دوره ترامپ هم به اندازه گذشته خواهد بود اما او بیش از همه نگران راهبرد ما در مواجهه با ترامپ است. ملکی تأکید دارد که نباید موضوع ایران را به رده‌های بالای اولویت کابینه ترامپ برسانیم چون گذشت زمان و باتجربه‌شدن او و همراهانش به ما کمک خواهد کرد. او در همین زمینه پیشنهاد می‌کند که مسئولان جمهوری اسلامی ایران، ترامپ و همکاریانش را با واقعیت‌های ایران و برجام آشنا کنند. عباس ملکی در سال‌های دولت سازندگی و دوران وزارت علی‌اکبر ولایتی، مدیرکل و معاون بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک فعالیت کرده است. و عضو پیوسته «رابرت ویلهلم» مرکز مطالعات بین‌المللی مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (ام‌آی‌تی) است و همین موجب آشنایی بیشتر او با جان کری وزیر خارجه فعلی آمریکا نیز هست که در این گفت‌وگو از او هم روایت می‌کند.

هست. گفته آقای ترامپ که کشورهایی مانند سوریه، ایران و روسیه با داعش می‌جنگند و ما هم مایل هستیم که با داعش بجنگیم، نشان از این تفکر دارد که برای مبارزه با افراط‌گرایی بین‌المللی یا تروریسم بین‌المللی نیاز به همکاری با نیروها و کشورها میانه‌رو هست. اگر چنین باشد آقای ترامپ و وزیر خارجه دولتش سعی خواهند کرد با چنین کشورهایی روابط خوبی داشته باشند. نکته مهم دیگر این است که داعش و نیروهای افراطی چه خواهند شد. به نظر من غرب‌ستایی بزرگی که قطر، ترکیه و عربستان سعودی پس از ژوئن ۲۰۱۴ و تصرف موصل و رقه در کمک‌های مادی، معنوی و تسلیحاتی به نیروهای ضدحکومت سوریه کردند، باز اینجا رسید که به اصطلاح غول را از شیشه بیرون آورد. دوباره محبوس‌کردن این غول کار سختی است و بدون همکاری همه کشورها به‌ویژه کشورهایی نظیر ایران، روسیه و کشورهای منطقه امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین نگاه کلی آقای ترامپ در یک حالت عمومی این خواهد بود که به بیشترشدن تنش‌ها با ایران نپردازد، چون کمترشدن تنش بین ایران و ایالات متحده به معنای ثبات‌ترشدن منطقه است. به هر حال همه می‌دانیم جمهوری اسلامی ایران در سوریه، عراق، یمن و برخی دیگر از کشورها نقش دارد و به نظر من این نقش، مثبت است. پس چرا ترامپ از چنین اهرمی استفاده نکند؟ نمی‌خواهم بگویم روابط ایالات متحده با ایران توسعه پیدا خواهد کرد ولی به نظر نمی‌رسد روابط با ایران بدتر از دوره آقای اوباما باشد.

● **به نظر شما دوره ترامپ شبیه دوره کدام‌یک از رؤسای جمهور پیشین آمریکا خواهد بود؟**
من خیلی امیدوار هستم که دوره آقای ترامپ به دوره آقای ریگان نزدیک شود. ریگان یک هنرپیشه دست دوم بود و رای آوردن او هم به دلیل تمایل مردم به تغییر رخ داد. مردم در هر جای دنیا خواهان تغییر هستند. در آن دوره مردم آمریکا نیازمند تغییر بودند چون به نظرشان می‌رسید آقای کارتر دستاوردهای چندانی برای ایالات متحده نداشته است.

● **الته دوباره رای‌سپاردن کارتر تحت تأثیر ماجرای سفارت آمریکا در ایران هم بود.**
بله، موضوع سفارت یکی از دلایل بود. به نظر مردم آمریکا سرنگون‌شدن شاه یکی از شکست‌های فاحش آقای کارتر بود. نکته دوم این بود که کارتر نمی‌توانست با اتحاد شوروی به نتیجه چندانی برسد. درعین‌حال که مذاکرات متعددی انجام دادند. البته یکی از مهم‌ترین مسائل آن دوره، بالارفتن قیمت نفت بود که به ۴۵ دلار رسید. این قیمت برای صنعت انرژی آمریکا به معنای رکود وحشتناکی بود که رخ داد. ریگان به عنوان فردی که هنرپیشه دست دوم هالیوود بود، در سال ۱۹۸۶ قیمت نفت را از ۴۵ دلار به ۱۰ دلار رساند و به دو پیمان استراتژیک با اتحاد شوروی دست پیدا کرد. به نظر من راز موفقیت آقای ریگان این بود که می‌گفت من به همه چیز آگاهی ندارم، پس نیازمند مشاورانی هستم. او

مشاوران و وزرای انتخاب کرد و می‌گفت هرچه شما بگویید، حتی نقل شده که برخی از متن‌هایی که برای او می‌نوشتند، نمی‌توانست درست از روی کاغذ بخواند. ولی چون به مشاورانش اعتماد کرد، توانست موفق شود. این‌روش در مقابل رؤسای جمهوری موفق شد. خیلی باهوش هستند رؤسای جمهوری که خیلی باهوش هستند و می‌گویند ما خودمان باید به نتیجه برسیم. ما رئیس‌جمهوری داشتیم که به‌عنوان مثال درباره پروژه‌های عمرانی استان‌ها کار می‌کردند و پیشنهادی ارائه می‌دادند و سازمان برنامه و بودجه روی آن موضوع محاسبات انجام می‌داد، بعد رئیس‌جمهور دوباره در هیئت‌دولت می‌گفت یک ماشین حساب بیاروید، دوباره من حساب کنم. طبیعی است که ذهن انسان قادر نیست همه‌چیز را به یاد آورد و پیچیدگی‌ها را بیابد، تقسیم‌کار برای رفع همین مشکل است. اگر آقای ترامپ به مسائل جزئی نپردازد و به افرادی که انتخاب می‌کند اعتماد کند، بعید نیست موفق شود.

● **تأثیری که در یک ماه گذشته تا به حال دیدید، چنین نشانه‌هایی را دارد؟**

● **حتی الان نمی‌توانید بگویید که چه خواهد شد، معلوم است این هماهنگ شده است.**
این یعنی من به عنصر خانواده برای کسب رای نیاز داشتم، ولی برای یک کار جدی نیازمند کسانی هستم که به من کمک کنند و این‌کار با جریان انتخابات متفاوت است. نکته دوم اینکه به نظر می‌رسد برهمانی نظریاتش عمل می‌کند؛ مثلاً بین کسانی که انتخاب کرده گزینه منتخب برای نهاد حفاظت از محیط‌زیست آمریکا، شخصی است که کاملاً موافق استفاده از سوخت‌های فسیلی و موافق کشیدن خط اوله از کانادا به داکوتاست. در نگاه اول به نظر می‌رسد چنین شخصی با محیط زیست مخالف است، اما مسئله سیاسی است. او می‌گوید من کسی را می‌خواهم ترجیح بگذارم که نظرات من را اعمال کند و این آدم آن کار را می‌کند. آقای اوباما کسی را در این پست گذاشته بود که گرایش سبز داشت و در هاروارد تدریس می‌کرد. اما سیاست‌گذاری فراتر از دانش است، سیاست‌گذاری عناصر امنیتی، اجتماعی و سیاسی دارد. مثلاً راه سبست وزیر کشور، آقای لوکاس را پیشنهاد داده که او هم از افرادی است که یک کمپانی خیلی بزرگ دارد و طرفدار استفاده از خطوط لوله برای شکوفایی اقتصاد نفت و گاز است. انتخاب چنین فردی در وزارت کشور به این معناست که بتوانند در موضوع خطوط لوله، چاه‌ها و پنا‌ر و نظرات اجتماعی مردم نوعی مصالحه برقرار کنند. درباره وزیر دفاع هم همچنین. خود ترامپ گفت ماتیس ژنرال ژنرال‌هاست. در نگاه اول هیچ‌کدام اینها شاید در مقام مقایسه با میراث بشری و منافع ملی ایران درست نباشد. اما برای کسی که رئیس‌جمهور آمریکاست، منافع آمریکا مهم است و این طبیعی است. همچنین آقای ترامپ ریک پری، فرماندار سابق تگزاس را به عنوان وزیر انرژی معرفی کرده

است. او نیز طرفدار استفاده از ظرفیت آمریکا به عنوان یک کشور تولیدکننده نفت و گاز متعارف، است. همچنین او موافق حفاری‌های بیشتر برای استفاده از نفت و گاز لایه‌های رسوبی یا شیل است. گرچه استخراج منابع طبیعی غیرمتعارف مانند نفت و گاز شیل همراه با استفاده وسیع از منابع آب است که این خود نیز به آلوده‌کردن بیشتر محیط‌زیست می‌انجامد، به نظر می‌رسد ترامپ و کابینه او به تکیه‌کردن بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های آمریکا بیشتر گرایش دارند تا حفاظت از لایه اوزن و تغییرات اقلیمی. در این صورت محدودیت‌های اعمال‌شده بر فعالیت‌های نفت و گاز در دوره آقای اوباما کمتر خواهد شد. باید گفت اگر بخواهید گازهای آلوده‌کننده منتشر نکنید، اگر همه صنایع بخوابد و همه سیستم حمل‌ونقل خاموش شود، دیگر هیچ گاز آلاینده‌ای نخواهیم داشت، ولی این راه‌حل نیست؛ چون دیگر هیچ انسانی زنده نخواهد بود. سیاست‌گذاری، یعنی مصالحه بین محیط‌زیست، اقتصاد، اجتماع و خواست‌های افراد مختلف. اینکه در روزهای آخر دولت آقای اوباما، ارتش می‌رود مسئله خط لوله را برای سرخ‌پوستان حل می‌کند، یعنی موضوع خیلی مهم‌تر از این است که ما فقط نگاه محیط زیستی داشته باشیم. سرخ‌پوستان بخشی از جامعه هستند و باید به تقاضای آنها هم توجه شود. در مجموع به نظر می‌رسد رسانه‌های آمریکایی با آقای ترامپ خوب نیستند. در اکثر رسانه‌ها علیه ایشان کار می‌کنند. صنعت ژئوپالیسم آمریکا یک صنعت پشرو بود و معلوم بود از خانم کلینتون حمایت می‌کند. در ایران ما باید ببینیم چه چیزی به منافع ملی ایران بیشتر نزدیک است.

● **شما معتقدید دوره ترامپ بدتر از دوره اوباما برای ایران نخواهد بود. اما وزرای که تا به حال پیشنهاد شده‌اند، به‌ویژه آنهایی که به همه مواضع منفی علیه ایران دارند. با وجود این پارامترها چگونه می‌شود نتیجه گرفت دوره ترامپ بدتر از دوره اوباما نخواهد بود؟**

ما نمی‌توانیم نظرات وزرای آقای ترامپ را عوض کنیم، ولی همه موضوع سیاسی حداقل دو طرف دارد. ما باید کارهایی انجام دهیم. نظاره‌گر بودن و گفتن این جمله که ترامپ ضداپرابی است، مشکلی از ما حل نمی‌کند. من این کار را سیاست‌مداران داخلی بومد، موضوع ایران را به بالای فهرست آقای ترامپ منتقل نمی‌کردم؛ یعنی کارهای حساسیت‌زا انجام نمی‌دادم. این فرد الان فهرستی از موضوعات خودش با مشاوران و به‌ویژه معاونش دارد؛ برای مثال موضوع روابط با اروپا، مسئله چین، همین اکتشافات نقاط جدید نفت و گاز در

آمریکا، مسئله بی‌کاری، مهاجران و... از اینها یک فهرست دارد و در ذهن او این وجود دارد که به اینها فکر کند. ما نظرم موضوع ایران الان شاید در رده بیستم باشد. پس گام اول این است که ما کاری نکنیم که این موضوع از رتبه بیستم به رتبه دوم یا سوم بیاید؛ چون دراین‌باره خاص هرچه آقای ترامپ و مشاوران او پخته‌تر شوند، به نفع ماست. یعنی با واقعیات آشنا نمی‌شوند. اگر به خاطر داشته باشید آقای اوباما مثل سوختنای ایران اول شاید در مستقیما ایران را محکوم کرد؛ ولی او به‌تدریج متوجه شد مسئله ایران آن چیزی نیست که در گذشته به او گفته بودند؛ بلکه جلوه دیگری دارد.

● **چه چیزهایی ایران را از رده بیستم به رده‌های اول نزدیک‌تر می‌کند یا این موضوع را سرعت می‌بخشد؟**

یکی همین اظهارنظرهای رادیکال است؛ مثلاً چرا ما بگوییم ترامپ ضد ایران است. ما مثل بقیه کشورها صبر کنیم. من معتقدم درست است که ما نباید انتخاب ترامپ را تبریک می‌گفتم؛ چون ما رابطه سیاسی نداریم، ولی به نظر من، ما می‌توانیم یک نامه بنویسیم و بگوییم که وضعیت به چه صورت است. این بخش از تاریخ صدر اسلام خیلی آموزنده است. حضرت رسول یک نامه برای خسرو پروز فرستادند و یک نامه برای قیصر، امپراطور روم. بدیهی است که پیامبر می‌دانستند هر دو اینها به این مطالب و مفاهیم توجه نمی‌کنند؛ اما کسی که سخنی دارد، باید سخن خود را بیان کند. به نظر من ایرادی ندارد آقای روحانی یک نامه مستدل برای آقای ترامپ بنویسند و در این نامه از وضعیت ژئوپلیتیک ایران صحبت کنند، بعد درباره انقلاب اسلامی و سپس درباره برجام مطالبی را بیان کنند. دیدگاهی که از تهران می‌رود، با دیدگاهی که اندیشکده‌های طرفدار اسرائیل مانند «سایان سنتر» می‌دهند، خیلی متفاوت است. این همه پژوهشگران این‌گونه اندیشکده‌ها در کانال‌های مختلف و رسانه‌های متعدد درباره ایران صحبت می‌کنند؛ اما همه آنها در مجموع در یک موضوع شریک هستند و آن اینکه هیچ‌کدام از اینها ایران را ندیده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۹

روژه

موسویان تحلیل کرد

گزینه‌های پیش‌روی ترامپ

● سیدحسین موسویان، معاون اسبق شورای عالی امنیت ملی در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه براون آمریکا از سیاست‌هایی که ترامپ برای مواجهه‌شدن با ایران پیش‌رو دارد، سخن گفت.

به گزارش ایلنا، او با بیان اینکه سه گزینه پیش‌روی ترامپ است، گفت: اولین گزینه، سیاست تغییر رژیم است. او با اشاره به اینکه اعضای کابینه کلیدی ترامپ، اکثراً ضد ایران، ضد برجام و طرفدار سیاست تغییر رژیم در ایران هستند، تصریح کرد: پمپئو، کاندیدی ریاست سازمان سیا در کناره، پیشنهاد تغییر رژیم را مطرح کرد و گفت برای لغو برجام هم لحظه‌شماری می‌کند. فلین، کاندیدی شورای امنیت ملی، هم سیاست تغییر رژیم را بهترین سیاست درباره ایران اعلام کرد. شعار ژنرال ماتیس، کاندیدی وزارت دفاع، هم این است: «سه تهدید اصلی آمریکا؛ ایران، ایران، ایران».

موسویان با تاکید بر اینکه گزینه «تغییر رژیم» یک گزینه امتحان‌شده و شکست‌خورده است، خاطرنشان کرد: سریع‌ترین راه برای ورود به چنین استراتژی‌ای، پاره‌کردن برجام است. ایران تاکنون به تمام تعهداتش در قالب برجام بدون کم و کاست عمل کرده است. درحالی‌که آمریکا در اجرای تعهداتش لنگ می‌زند، به تازگی هم که سنا با رای ۹۹ به صفر تمدید قانون تحریم ۱۰ساله ایران را تصویب کرد. درعین‌حال مقام معظم رهبری ایران هم اعلام کرده اگر آمریکا برجام را پاره کند، ایران هم آن را تاش خواهد زد.

این دیپلمات سابق کشورمان، گزینه دوم پیش‌روی ترامپ را «سیاست تعامل» عنوان کرد و گفت: این سیاست از سوی اوباما صرفاً سه سال یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ در روابط با ایران اجرا شد. سیاست تعامل اوباما مبتنی بر خصومت حداقلی، کنارگذاشتن سیاست تغییر رژیم، اجتناب از درگیری نظامی و مذاکره مستقیم و بدون پیش‌شرط در موضوعات مورد اختلاف بود.

به گفته موسویان، این سیاستی است که به مرور زمان می‌تواند به رفع تنشخ در روابط دو کشور کمک کند و اطمینان می‌تواند یک گزینه برای ترامپ باشد. فراتر از آن هم ترامپ می‌تواند از منطقه‌ای‌شدن اصول برجام حمایت کند تا زمینه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای فراهم شود.

او گزینه سوم پیش‌روی ترامپ را شکست بن‌بست برای ایجاد تغییر بنیادین در روابط با ایران دانست و گفت: این گزینه به ترامپ کمک می‌کند تا به دنبال روابطی سالم و واقعا دواسته با ایران باشد. این نوع رابطه نیز قدمتی صدساله در تاریخ روابط ایران و آمریکا دارد؛ یعنی از ۱۸۵۶ تا ۱۹۵۳.

موسویان با بیان اینکه خوش‌بین نیست حتی اگر ترامپ بخواهد نیز اجازه دهند در این خصوص موفق شود، گفت: ترامپ چند روز پیش گفت آمریکا از این به بعد سیاست‌های اشتباه گذشته درباره ساقط‌کردن رژیم‌ها را کنار گذاشته و با هر کشوری که قصد مبارزه با داعش را داشته باشد نیز شریک خواهد شد. این دو عنصر می‌تواند زمینه‌ساز چنین گزینه‌ای باشد.

او در ادامه به ترامپ پیشنهاد کرد اگر می‌خواهد چنین سیاستی را در پیش گیرد، از ایران درک صحیحی داشته باشد. از دخالت کشورها ثالث مثل اسرائیل و عربستان در روابط واشنگتن- تهران اجتناب کند. به سیاست تغییر رژیم در ایران پایان دهد. اصول احترام متقابل و مداخله‌نگردن را رعایت کند و به منافع مشروع ایران در منطقه احترام بگذارد. برهه‌بردارش در زمینه‌های بهبود روابط اقتصادی مانند معامله ۲۷میلیارددلاری بوئینگ، رفع موانع روابط مردمی و همکاری در منافع مشترک هم‌زمان با گفت‌وگو در موارد اختلافی نیز از دیگر موارد پیشنهادی موسویان به ترامپ بود. موسویان با اشاره به اینکه «مقام معظم رهبری ایران فرمودند اگر برجام بدون ابهام اجرا شود، می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگو در سایر موضوعات شود»، گفت: آمریکا موضوع دموکراسی و حقوق بشر در ایران را همیشه بهانه کرده درحالی‌که همه می‌دانند وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در ایران قابل مقایسه با هیچ‌یک از کشورهای عرب متحد آمریکا در منطقه نیست. آمریکا موضوع توان موشکی و سلاح‌های متعارف ایران را همیشه بهانه کرده درحالی‌که بودجه دفاعی ایران، یک‌دهم کشورهای عرب خلیج فارس با جمعیتی کمتر از ایران است. آمریکا همیشه ایران را درباره تروریسم محکوم کرده است درحالی‌که همه سران آمریکا و اروپا به طور رسمی اعتراف کرده‌اند که عربستان و متحدان عربشان منبع اصلی مالی و تسلیحاتی و ایدئولوژیک گروه‌های تروریستی مثل داعش و القاعده هستند.

او تأکید کرد: از این رو آمریکا در جهت تحقق گزینه سوم باید استانداردهای دوگانه را کنار بگذارد.